



# سیستم توزیع مواد غذایی در کوبا



## ★ اهداف نظام توزیع در کوبا

طبقه کم درآمد سهمی بیشتر از ثروت ملی را دارد، نمود. فرصت‌های شغلی ایجاد شده در مزارع دولتی جدیدالتأسیس و پروژه‌های ساختمانی دولتی، مانند: جاده، مدرسه، درمانگاه، ساختمانهای دولتی و منازل شخصی، دستمزد فقیرترین کارگران را افزایش داد. راه دیگر افزایش درآمد اکثریت مردم، کاهش هزینه‌های عمومی بود. استفاده از مدارس، مراقبت‌های بهداشتی، دارو، آب، خدمات تدفین، تسهیلات

هدف اصلی از نظام توزیع مواد غذایی در کوبا آن است که هیچ کس گرسنه نماند. در واقع با توجه به درآمد نا کافی که دلیل اصلی سوءتغذیه مردم قبل از انقلاب کوبا بود دولت مجبور به اتخاذ سیاستی شد که هم درآمد بخش فقیر جامعه افزایش یابد و هم سهم درآمدی که صرف مواد غذایی می‌گردد بیشتر شود. ابتدا دولت کوبا سعی در ایجاد اشتغال بیشتر و اطمینان از آنکه

ورزشی، تلفن‌های عمومی، هزینه برق، گاز، حمل و نقل شهری که مجموعاً بخش عمده‌ای از هزینه‌های کارگران را تشکیل می‌دادند، کاهش یافت که این امر باعث افزایش درآمد آنها گردید. دولت فعالیت مراکز قمار و فساد را که درآمد فقرا را طعمه خود می‌ساخت ممنوع اعلام نمود. در سال ۱۹۶۰ دولت اجاره را تا ۵۰ درصد کاهش داد و بعداً سقف آن را تا ۱۰ درصد درآمد خانوارها اعلام کرد. اثر خالص اشتغال بیشتر و گسترش خدمات رایگان و سوبسیدهای بالا، توزیع مجدد بی‌سابقه درآمد، یعنی انتقال ۱۵ درصد درآمد ملی از مالکین به مزد و حقوق‌بگیران در اوایل سال مزبور بود.

## ☆ ضوابط توزیع

### — قیمت گذاری:

گروهی از اقتصاددانان عقیده دارند: بازار آزاد می‌تواند مشکلات کمبود کالا را حل کند. اما کمبود عرضه مواد غذایی در سالهای اولیه پس از انقلاب در کوبا رخ داد و مسائل عدیده‌ای نظیر: فرار متخصصان کشاورزی به آمریکا، کمبود تجارب تکنیکی و سازمانی در مزارع دولتی جدیدالاحداث و تعاونی‌ها، تولید محصولات را کاهش داد. آیزنهاور (رئیس جمهور وقت آمریکا) در سال ۱۹۶۰ صادرات به کوبا را

تحریم نمود، لذا ماشین‌آلات کشاورزی، کود، بذر و سایر مواد اولیه وارد نگردید. اختلال در واردات سایر کالاها، مشکلات عرضه را افزایش داد.

قبل از انقلاب سوسیالیستی، کوبا، به واردات مواد غذایی، مانند: گندم، برنج، لوبیا، گوشت خوک، لبنیات، گوشت سفید، تخم مرغ و حتی پیاز و سیر وابسته بود که بیش از ۷۰ درصد آن از آمریکا تأمین می‌گردید و این تحریم بر تجارت با آمریکا اثر بدی برجای گذاشت. کمبود عرضه مواد غذایی در سطح شهرها بیشتر از روستاها آشکار شد. با وجود کالاهای مصرفی کمتر در مناطق روستائی، بخصوص کالاهای وارداتی از آمریکا، کشاورزان به علت خودمصرفی، احتیاج کمی به پول نقد داشتند، لذا، کمتر برای بازار تولید می‌نمودند. شدت بحران مواد غذایی در سال سوم انقلاب سوسیالیستی کوبا آشکار شد. رشد شدید قیمت‌ها باعث خنثی شدن مزایایی که برای کارگران و کشاورزان در نظر گرفته شده بود، گردید.

سه ماه پس از انقلاب سوسیالیستی، دولت، کوبا برای تعدادی از اقلام مواد غذایی اصلی قیمت‌های رسمی اعلام نمود و سقف سود ۱۰ درصد برای خرده‌فروشان و ۲۰ درصد برای عمده‌فروشان را تعیین کرد. اما وضعیت غیرقابل کنترل بود. تثبیت قیمت‌ها به علت تعداد زیاد خرده‌فروشان بسیار مشکل بود.

سه ماه پس از انقلاب سوسیالیستی، دولت کوبا برای تعدادی از اقلام مواد غذایی اصلی، قیمت‌های رسمی اعلام نمود و سقف سود ۱۰ درصد برای خرده‌فروشان و ۲۰ درصد برای عمده‌فروشان را تعیین کرد.

لذا احتکار شایع شد. با وجود کوشش‌های دولت جدید، قیمت‌های آزاد در بازار سیاه حاکم بود و مشکلات عرضه را چند برابر نمود. لذا دولت سهمیه‌بندی کالاهای اساسی را در سال ۱۹۶۰ اعلام نمود. و قیمت‌ها از این سال تا سال ۱۹۸۱ — که مجدداً افزایش یافت — ثابت ماند. اما هنوز هم قیمت‌های جدید بسیار کمتر از هزینه‌های تولید آن بود.

### سیستم سهمیه‌بندی کالاها

دفترچه‌های سهمیه‌بندی هر سال برای خانوارها توزیع می‌شود. هر خانوار فروشگاه نزدیک به خانه خود را که برای خرید از آن استفاده می‌کند انتخاب نموده و به «هیئت سهمیه‌بندی ملی» (National Rationing Board of ICODA) اعلام می‌نماید و سهمیه خانوار مزبور به آن فروشگاه ارسال می‌گردد. یک خانوار اگر به محله دیگری تغییر مکان دهد مجدداً این تغییر مکان را به

هیئت مذکور اعلام می‌کنند. بعلاوه هر نوع تغییری در اندازه خانوار از نظر تولد، مرگ، ازدواج و یا سایر موارد باید گزارش شود تا آنها هم سهمیه را براساس آن تغییر دهند. هر فرد خانوار از یک سبد مشخص مواد غذایی شامل برنج، لوبیا سبز و یا سایر سبزی‌ها، روغن، گوشت، چربی خوک، شکر، نمک، قهوه، گوشت گوساله و مرغ بعلاوه مقدار متغیری از میوه‌ها و سبزی‌ها براساس فصل و فراوانی برخوردار می‌باشد. بعضی از افراد کالاهای فوق‌العاده در سهمیه خود دارند. نظیر کودکان زیر ۷ سال که روزانه یک لیتر شیر دریافت می‌کنند و شهروندان بالای ۶۵ سال نیز سهمیه شیر بیشتری از مردم عادی دارند. کارگران مشاغل سخت و سنگین مانند کارگران معدن، مزارع نی شکر ورزشکاران ملی نیز جیره بیشتری دریافت می‌دارند. در فصل درو و برداشت محصول کسانی که نی شکر قطع می‌کنند حدود پنج هزار کالری از مواد غذایی سهمیه‌بندی (بیش از دو برابر یک فرد معمولی) را بخود اختصاص می‌دهند. بعلاوه سهمیه مخصوصی (رژیم) نیز وجود دارد که طبق نسخه پزشکی برای زنان باردار، یا افراد کم‌وزن و یا کودکان و افرادی که مبتلا به بیماری‌هایی نظیر: (قند) چربی خون و کم‌خونی هستند تجویز می‌شود.

بعضی از کالاهای سهمیه‌بندی بخصوص شکر، لوبیا، برنج، چربی خوک از

می‌گیرد. برای این خانوارها سهمیه بیشتر است.

موارد مشابهی نیز برای خانوارهایی که اغلب غذا را در رستوران و یا محل کار صرف می‌کنند دیده می‌شود. اما خانوارهایی که تنها به سهمیه غذا وابسته‌اند، بسختی تا پایان ماه دوام می‌آورند.

در دهه اول انقلاب سوسیالیستی، سهمیه‌بندی غالباً در حال تغییر بود، اما از آغاز دهه ۱۹۷۰ تثبیت گردید اگرچه بعضی وقت‌ها کالاهای موجود در سهمیه ماهانه نیز تغییر می‌نمود اما به هر حال حدود ۱۹۰۰ کالری در روز را به بدن می‌رساند. (جدول ۱).

نظر مصرف تا پایان ماه کفایت نمی‌کند و از این روزمانی که سهمیه تمام شد تهیه این کمبودها بر عهده خود خانوار است. مینای سهمیه برای همه افراد یکسان است. یک کودک دوازده‌مقدار غذایی (غیر از سیگار) برابر با یک کارگر مرد ۲۵ ساله بلندقامت دریافت می‌کند. البته سهمیه برنج کودک را تا زمانی که بزرگ شود ذخیره نمی‌کنند بلکه جزء غذای خانواده مصرف می‌شود. بطوری که سهمیه مواد غذایی خانوارهایی که دارای کودک خردسال هستند دیرتر به اتمام می‌رسد. در خانوارهایی که (یک نفر یا بیشتر) اعضای آنها دور از خانه کار و یا تحصیل می‌کنند سهمیه به خانواده تعلق

جدول ۱- سهمیه ماهانه مواد غذایی هر فرد و کالری موجود در سهمیه مواد غذایی در کشور کوبا

کالری در روز	وزن (در ماه)	م متوسط مواد غذایی ماهانه هر فرد
۸۴	سوند (Lb) ۱/۲۵	کوسه کوساله
۴۰	" (۱) ۱/۶۹	مرغ
۲۷۵	" ۵/-	برنج
۱۴	" (۲) ۰/۲۵	ذرت (Corn meal)
۶۶	" ۱/۲۵	لوبیا
۶۸	" ۰/۵	روغن
۱۳۶	" ۱/-	جرسی خوک (Lard)
۲۴۲	" ۴	نکر
۸۶	" (۳) ۸/- PT	شمر ( تازه )

شیر (خنگ)	PT (۴)	۶/-	۵۵
قهوه	بوند lb	۰/۲۵	۰
نان	" (۵)	۱۵	۶۲۴
سوس گوجه فرنگی	"	۰/۵	۳
سایر	" (۶)	-	۱۵۰
بر اساس آنچه موجود باشد (۷)			
(Tubers) (غده های خوراکی نظیر سیب زمینی)	"	۶/-	۳۵
میوه (بر سفال)	"	۱/-	۷
سبزیها	"	۳/-	۱۰
کل کالری بروراسد			۱۸۹۵

(۱) اعداد متوسط ماهانه است. در صورتی که گوشت هر ۹ روز یکبار (حدود ۰/۷۵ پوند گوشت قرمز و یا ۱/- پوند گوشت مرغ) توزیع می شود.

(۲) Corn meal تنها سهمیه ثابتی است که همیشه وجود ندارد. بنظر می رسد که دولت علاقه زیادی به ارائه کامل این سهمیه ندارد. زیرا مردم چندان مشتاق خرید آن نیستند.

(۳) این رقم از حاصل ضرب سهمیه شیر کودکان زیر ۷ سال در درصد جمعیت زیر ۷ سال بدست آمده است.

(۴) این رقم از حاصل ضرب سهمیه شیر خشک گروه های مختلف مردم، برای گروه سنی ۷-۱۳ سال (ماهیان شش قوطی)، برای افراد ۱۳-۶۵ سال (ماهیان سه قوطی) و برای افراد بالای ۶۵ سال نیز (شش قوطی در ماه)، در درصد افراد هر گروه بدست آمده است.

(۵) بطور رسمی جزء سهمیه ماهانه است اما اغلب آنقدر فراوان است که بدون سهمیه نیز فروخته می شود.

(۶) شامل: مایونز- غذای کودکان- شیرینی (Cooking wine) و سایر می باشد.

(۷) میوه و سبزیها فصلی اند و سهمیه براساس فصل و فراوانی تغییر می کند.

$$Pt = \text{Pint} = \frac{1}{8} \text{gallon} = 0.125 \text{ liter}$$

$$= 0.125 \text{ liter} = 0.125 \text{ liter}$$

$$Lb = \text{Pound} = 453.59 \text{ gram}$$

اساسی هر دو بفروش رسد و سهمیه بندی حذف شود.

وقتی که عرضه کالایی کفایت تقاضا را می‌کند از سهمیه بندی خارج می‌شود. بعضی از کالاها به دو صورت: سهمیه و بدون سهمیه بفروش می‌رسند. تفاوت اصلی در این حالت قیمت است. بعنوان مثال: یک لیتر شیر سهمیه بندی ۲۵ سنتاوس (Centavos) بفروش می‌رسد در حالی که بدون سهمیه ۸۰ سنتاوس قیمت دارد. قهوه نیز بدون سهمیه به ده برابر قیمت بفروش می‌رسد.

بازارهای جنبی (grey Market) یکی دیگر از کانال‌های مهم توزیع مواد غذایی در کوبا است. مبادله پنهانی کالاهای سهمیه بندی مثال خوبی از بازارهای جنبی است. یک خانوار مثلاً می‌تواند شیر اضافی خود را با شکر همسایه معاوضه نماید. البته بطور غیرقانونی این مبادله همه روزه در کوبا انجام می‌شود و مبین آن است که مقدار استاندارد که برای هر کس در نظر گرفته شده بدون ملاحظه سلیقه و نیاز شخصی می‌باشد.

از طرف دیگر بازار سیاه اغلب شامل کالاهایی است که از منابع دولتی دزدیده می‌شوند و بفروش می‌رسند. البته این نوع فروش غیرقانونی است. اما بطور پراکنده ادامه دارد. قصاب‌ها مشهور به کم فروشی به مشتریان هستند و گوشت اضافی بعداً در بازارهای سیاه بفروش می‌رسد. صاحبان

در حالی که سهمیه بندی مواد غذایی روزانه حدود ۱۹۰۰ کالری را فراهم می‌کند، کوبائیی‌ها با استفاده از مواد غذایی غیر سهمیه بندی حدود ۲۸۰۰ کالری در روز مصرف می‌نمایند. منبع تأمین این مواد غذایی کجاست. البته یکی از منابع تولیدات خانگی است. در شهرها مقدار کمی مواد غذایی کشت می‌شود. اما در روستاها اعضای تعاونیهای تولید، کشاورزان منفرد، کارگران مزارع دولتی بیشتر غذایی را که می‌خورند خود کشت می‌نمایند. در بسیاری موارد برای ساکنان روستائی، سهمیه تنها مکملی برای تولید آنهاست. منبع دیگر، مواد غذایی سهمیه بندی نشده‌ای است که توسط دولت تأمین می‌گردد. در سال ۱۹۷۰ مقدار مواد غذایی که بدون سهمیه بندی فروخته می‌شد افزایش یافت.

## ★ سایر بازارهای موجود

ارتباط میان سیستم بدون سهمیه (معروف به بازارهای موازی Parallel Markets) و سیستم جیره بندی سنتی هنوز روشن نیست. بعضی از سیاست گذاران عقیده دارند که در بازارهای موازی باید تنها کالاهای لوکس بفروش برسد و سهمیه بندی برای تأمین کالاهای اساسی ادامه یابد. سایرین عقیده دارند که کالاهای لوکس و

ساندویچ‌فروشی‌ها (Snack bars) از پنیر ساندویچ‌ها کم نموده و آن را به بازار سیاه عرضه می‌دارند. زیرا قیمت آن بطور فوق‌العاده بالاست.

رستوران‌ها و ساندویچ‌فروشی‌ها یکی دیگر از منابع مهم تأمین مواد غذایی می‌باشد. کیفیت غذاها اغلب کمتر از حد انتظار است. اما محدوده انتخاب، بین غذاهای سریع نظیر پیتزا و جوجه‌سوخاری — که پایین‌تر از استاندارد آمریکاست — تا غذاهای تجملی، شراب‌های گران‌قیمت، گسترده می‌باشد. البته کافه‌تریاهای محل کار و مدارس نیز وجود دارند. غذاهای مدارس مجانی‌اند و به غذاهایی که در محل کار بفروش می‌رسد سوبسید پرداخت می‌شود. در سال ۱۹۸۲ بیش از دو میلیون کوبایی (۱/۵ جمعیت) حداقل یک وعده غذای گرم در روز در کافه‌تریاهای مدارس، محلهای کار و بیمارستان‌ها صرف نموده‌اند. علی‌رغم تعداد فزاینده منابع اضافی غذا برای کوبایی‌ها، تقاضا برای مقدار غذایی بیشتر و کیفیت بهتر آن، موجب فزونی تقاضا نسبت به عرضه شده است. در سال ۱۹۸۰ دولت سعی در تشویق تولید از طریق ایجاد «بازارهای فروش مستقیم توسط کشاورزان» نمود. در این بازارها به کشاورزان منفرد خصوصی (که در سال ۱۹۸۰ حدود ۲۰ درصد از زمین‌ها را در اختیار داشتند) اجازه داده شد که مازاد محصولی را که اضافه بر

سه‌میه تعیین شده توسط دولت تولید کرده‌اند بطور مستقیم به مصرف‌کنندگان بفروشند. قیمت نیز بدون دخالت دولت توسط رابطه با عرضه و تقاضا تعیین می‌گردید. موضوع بازارهای خصوصی تحت نظارت دولت اقدامی مهم و متفاوت با سیاستهای گذشته است که برطبق آن فروش خصوصی مواد غذایی غیرقانونی بود و انگیزه کمی برای افزایش محصول کشاورزان باقی می‌گذاشت. این بازارها در سراسر جزایر کوبا گسترش یافت و برای اولین بار از زمان انقلاب، کوبایی‌ها به مواد غذایی متنوع‌تر با کیفیت بهتر دست یافتند. اما این بازارها که فیدل کاسترو بعداً بعنوان «راه سرمایه‌داری برای حل مشکلات سوسیالیزم» از آن‌ها یاد نمود، با کثرت تعداد دچار انحراف شدند. قیمت در بازارها آنقدر گران بود که تنها عده کمی — با درآمد بالا — بطور مرتب قادر به خرید از آن بودند. کالاهای دولتی مانند تراکتور، کود، بذر بطور غیرقانونی به بخش خصوصی انتقال یافت. بدتر از همه، این بازارها که قرار بود توسط تولیدکنندگان اداره گردد، محل تاخت و تاز واسطه‌ها شد و واسطه‌ها کم‌کم بازار را قبضه کردند. آنها کالاهایی را که عرضه آنها کم بود، پنهان کرده و بطور غیرقانونی محصول را از مناطق روستائی به مناطق شهری که به قیمت بالاتر بفروش می‌رفت حمل می‌نمودند و قیمت را وقتی که تقاضا بر عرضه پیشی

نیشکر صادراتی، نبات، نان روغنی، لویا، برنج وشکر، پس از انقلاب بی سابقه بود. اما قیمت‌ها مساوی و یا در بعضی از موارد بیشتر از آنچه که در بازار سیاه و یا در بازار روز عرضه می‌شد، بود.

## ✦ حدود عملکرد بخش‌های مختلف در توزیع

نقش اصلی بازار آزاد ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضاست. اما در حالتی که عرضه کافی نباشد قیمت نیز بالا ترمی‌رود. افزایش قیمت‌ها می‌تواند منافع کارگران شهری و روستائی را از بین ببرد. برای دولت سوسیالیستی این امر یک شکست بود. لذا سعی در کنترل قیمت‌ها نمود. سه ماه پس از انقلاب دولت برای تعدادی از مواد غذایی

یکی دیگر از مشکلات اثر سهمیه‌بندی «ذهنیستی» است که ایجاد می‌نماید، بسیاری از کوبائی‌ها سهمیه‌بندی را نه بعنوان یک احتیاج بلکه به صورت عادلانه کالاها، کمیاب، کالا در قیمتی که با هزینه آن ربطی ندارد، می‌دانند.

می‌گرفت به سطح بسیار بالایی می‌رساندند. دولت سرگردان شده بود. از یک طرف بازارها تقاضای گروهی را برآورده می‌ساختند و بسیاری از کوبائی‌ها به این کالاها به صورت مکمل مواد غذایی، وابسته بودند. از طرف دیگر دولت نمی‌توانست شاهد رشوه‌خواری جدید و قیمت‌های بسیار بالا — که بخصوص در بازارهای هاوانا شایع بود — باشد.

در فوریه سال ۱۹۸۲ — دوازده بازار روز و چندین بازار محلی در سایر نقاط جزیره توسط مأمورین دولتی مورد حمله قرار گرفته و صدها تن از مشتریان دستگیر گردیدند. بطور رسمی بازارها بسته نشدند. اما کنترل بیشتری بر کالاها و فروشندگان، اعمال گردید.

همچنین ۲۰ درصد مالیات بر فروش خالص به منظور کاهش تمایل زارعین به فعالیت در قالب بخش خصوصی وضع گردید و قیمتی که زارعین می‌توانستند مازاد محصول خود را براساس آن به دولت بفروشند افزایش یافت.

در بلندمدت شاید مهمترین پاسخ دولت گسترش نقش خود بعنوان یک تاجر در توزیع مواد غذایی غیر سهمیه‌بندی بود. در اواخر سال ۱۹۸۲ بازارهای دولتی بزرگتر و جدید گشایش یافت و گسترش پیدا کرد.

کالا‌های موجود در این فروشگاه‌های جدید دولتی شامل گوشت، قهوه، عرق



اصلی قیمت رسمی اعلام نمود و سقف ۱۰ درصد و ۲۰ درصد سود را برای خریده فروشان تعیین کرد. اما وضعیت غیرقابل کنترل بود.

در تلاش برای قطع احتکار، عمده فروشی مواد غذایی ملی شد و فروشگاههای خریده فروشی متهم به احتکار و سوءاستفاده تحت اختیار دولت درآمد. در سال ۱۹۶۱ هشت هزار خریده فروشی ملی شد. همزمان، آژانس دولتی اصلاحات کشاورزی<sup>۱</sup>، فروشگاههای مردمی<sup>۲</sup> را برای بهبود عرضه کالاهای مصرفی اساسی با قیمت رسمی در روستاها تأسیس نمود. در سال ۱۹۶۱ حدود دوهزار واحد از این فروشگاهها در مناطق روستائی وجود داشت.

### ★ ارزیابی سیستم توزیع در کوبا

درآمد سرانه کوبا در سال ۱۹۵۰، حدود ۵۰۰ دلار و بسیار بالاتر از سایر کشورهای آمریکای لاتین - بجز کشورهای صادرکننده

نفت نظیر ونزوئلا - بود. تولید سرانه مواد غذایی نیز از چند کشور دیگر جهان سوم بالاتر بود.

اما برای ۱/۵ میلیون دهقان و کارگر کشاورز بدون زمین و کوبائیهای بیکار ارقام درآمد سرانه یک شوخی بیرحمانه بنظر می رسید. در حالی که از نظر تئوری، ۷۰ پوند گوشت برای مصرف سالانه هر کوبائی وجود داشت. در واقع تنها ۴ درصد خانوارهای کارگران کشاورز بدون زمین بطور مرتب غذای گوشتی داشتند و تنها ۲ درصد از خانوارها بطور مرتب تخم مرغ می خوردند و ۱۱ درصد مرتباً شیر می نوشیدند. در سال ۱۹۵۰ لوری نلسون از منظره ناخوشایند روستائیان کوبائی نوشت که کودکان ضعیف و لاغر با شکمهای برآمده ناشی از سوء تغذیه بودند.<sup>۳</sup>

در سال ۱۹۵۱ مطالعات بانک جهانی<sup>۴</sup> نشان داد که (اگرچه آمار رسمی در دست نیست) می توان تخمین زد که بیش از ۳۰ تا ۴۰ درصد از جمعیت شهری - شامل هاوانا - از سوء تغذیه رنج می برند. در مناطق

1) government's agrarian reform agency.

2) tiendas del Pueblo (People's stores)

3) Lowry Nelson, Rural Cuba, (Minneapolis, University of Minnesota Press, MN, 1950) P 4f.

4) International Bank for Reconstruction and Development, *Report on Cuba*, (Baltimore: MD, John Hopkins University Press, 1951) P 442.

روستائی درصدها بطرز باورنکردنی به بیش از ۶۰ درصد می‌رسید. در سال ۱۹۵۶ بررسی و مطالعه روی کودکان کلاس ششم نشان داد که حدود  $\frac{1}{3}$  از کودکان مدارس عمومی، مواد غذایی کافی برای حفظ وزن طبیعی خود دریافت نمی‌دارند.

مطالعات وزارت بهداشت کوبا در مورد رشد کودکان در سال ۱۹۷۰ نشان می‌داد که سوءتغذیه به میزان کمی کاهش یافته است. یکی دیگر از مطالعات کلی رشد که تا کنون انجام شده، نشان داده است که سوءتغذیه درجه ۳ و ۲ دیده نشده و تنها ۳ درصد از کودکان کوبائی سوءتغذیه متوسط درجه ۱ دارند. بعلاوه کودکان جوانتری که از توسعه عمومی خدمات بهداشتی و تغذیه پس از انقلاب سود برده‌اند، رشد سریعتری از بقیه دارند (بررسی‌های سال ۱۹۸۲). مطالعات دیگر در سال ۱۹۸۵ این مطالب را تأیید نموده و نشان داده است که کودکان کوبائی بلندقدتر شده‌اند.

نرخ مرگ و میر کودکان، یکی از بهترین شاخص‌های سلامت ملی، در دهه ۱۹۷۰ بطور باورنکردنی کاهش یافته است و در سال ۱۹۸۴ به  $16/8$  در هزار رسیده است. این عدد در مقایسه با هائیتی که نرخ مرگ و میر کودکان ۱۱۰ در هزار می‌باشد، بسیار کم است.

نرخ مرگ و میر کودکان در کوبا هم اکنون قابل برابری با کشورهای پیشرفته

صنعتی جهان می‌باشد.

چگونه کشور فقرزده کوبا توانست سوءتغذیه را نابود کند؟ فراهم نمودن مراقبت‌های پزشکی برای همه کوبائی‌ها و پیشرفت بهداشت عمومی که منجر به کاهش مرگ و میر گردید از عوامل اصلی بوده‌اند. اما مهمتر از همه توزیع یکسان مواد غذایی بوده است. برطرف شدن گرسنگی در کوبا را نمی‌توان با افزایش تولید مواد غذایی توضیح داد. در واقع آمار تولید مواد غذایی در این کشور بسیار مبهم است. افزایش محصولات نظیر: شیر، تخم مرغ، برنج و لوبیا با کاهش در سایر مواد نظیر: گوشت، نخودفرنگی، غلات و ریشه‌های سنتی خنثی می‌گردد. عرضه سرانه مواد غذایی نیز بیش از زمان سابق کوبا نیست. لذا می‌توان نتیجه گرفت: تغییر در عرضه مواد غذایی عامل اصلی برطرف کردن سوءتغذیه نبوده و توزیع صحیح چنین نتیجه‌ای را بدنبال آورده است.

### ❖ موانع سیستم سهمیه‌بندی

سیستم سهمیه‌بندی برای مصرف‌کنندگان و دولت کوبا مشکل آفرین شده است. برای مصرف‌کنندگان جیره غذایی کافی اما متوسط و بدون تنوعی فراهم می‌آورد که شامل مقدار کمی کالری و پروتئین با هدف تضمین مواد غذایی برای

همه است. اما سیستم سهمیه بندی رضایت افراد را در نظر نمی‌گیرد. بعنوان مثال سهمیه لوبیا نه تنها نا کافی است، بلکه اغلب نیمی لوبیای سیاه و نیمی لپه به عنوان لوبیا ارائه می‌شود. اگر چه هر دوی این کالاها دارای مواد معدنی مغذی مشابه هستند و از مواد غذایی آلی اند، اما واقعیت این است که کوبائی‌ها لوبیای سیاه را دوست دارند و از لپه بدشان می‌آید. در حالی که این رژیم غذایی مقدار کافی پروتئین دارد، اما سهمیه شامل مقدار کافی گوشت گوساله و خوک نیست. سیستم سهمیه بندی نظارت کاملی بر کالاهای غیر اساسی مانند پیاز و سیر دارد، بطوری که نیاز ضروری رژیم غذایی بیشتر کوبائی‌ها را فراهم می‌کند. عدم تنوع در مواد غذایی ارائه شده در سهمیه بطرز غیر قابل انکاری منجر به افزایش مبادله در بازارهای جنبی می‌شود.

سهمیه بندی منجر به عدم قدرت انتخاب و کیفیت پایین کالاها شده. کمیابی و گرانی کالاهای مورد علاقه عمومی در بازار منجر به اتخاذ سیاست ایجاد انگیزه پولی برای تشویق مردم به افزایش تولید گردید. این ملاحظات منجر به تصمیم دولت برای افتتاح بازار روز و گسترش سیستم بازار بدون سهمیه بندی دولتی شد. سیستم سهمیه بندی، بوروکراسی غیر مولد و گسترده‌ای را که نیاز به نیروی کار و هزینه زیاد برای عملکرد سیستم دارد، بوجود آورده است.

ارائه یک دفترچه جدید سهمیه سالانه برای هر خانوار در کل کشور و سپس اطمینان از آنکه سبد غذایی هر نفر در هر سنی و یا رژیم غذایی پزشکی متفاوت (در فروشگاه مخصوص در زمان خاص) موجود است از جمله مشکلات دیگر می‌باشد. مهمتر از همه تولد، مرگ، ازدواج، طلاق، نقل مکان از یک منزل به منزل دیگر است که احتیاج به تغییر در دفترچه سهمیه دارد. در سال ۱۹۸۲ از هر هشت نفر کوبائی یک نفر چنین تغییری داشته است. سیستم مزبور، کامپیوتری نیست و اوراق تنها با کمک کاغذ و چند کاربن نوشته می‌شود که به چندین اداره مختلف ارسال می‌گردد و موجب گیج شدن همه می‌شود.

به عقیده سیاست گذاران، سهمیه بندی، اقتصاد را مختل می‌کند. زیرا مواد غذایی در قیمتی کمتر از هزینه تولید بفروش می‌رسد. با قیمتهایی که از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۲ ثابت مانده بود، کوبائی‌ها افزایش تورم جهانی، افزایش هزینه واردات و نوسانات دیوانه وار قیمت شکر در بازار جهانی را احساس نکردند. طی سالها این حمایت از طریق پرداخت سوبسید دولتی اعمال می‌گردد. گوشت و لوبیا در قیمتی کمتر از نصف هزینه‌ای که دولت متحمل می‌شود و شیر ۲۹ درصد کمتر از هزینه تولید بفروش می‌رسند. در سال ۱۹۸۰ دولت میزان سوبسید مواد غذایی را (با محاسبه سوبسید

در سطح خرده‌فروشی صرف یک وعده غذایی سوبسیددار در محل کار) برای هر نفر بالغ بر ۱۵ پزو در ماه تخمین زد. در سال ۱۹۸۱ سوبسیدها کاهش یافت. اما حذف نشد.

یکی دیگر از مشکلات اثر سهمیه‌بندی «ذهنتی» است که ایجاد می‌نماید بسیاری از کوبائی‌ها سهمیه‌بندی را نه بعنوان یک احتیاج به توزیع عادلانه کالاها، کمیاب، بلکه به صورت حق دائمی خرید کالا در قیمتی که با هزینه آن ربطی ندارد. می‌دانند مصرف‌کنندگان، این یا آن کالا را برطبق سهمیه می‌خرند، زیرا که اجباراً بین آنها توزیع می‌شود، بدون آنکه واقعاً بدان احتیاج داشته باشند.

عده‌ای موافق حذف سهمیه‌بندی اند و اظهار می‌دارند که مانع پیشرفت سوسیالیسم است. برای آنها اصل اسامی سوسیالیسم عبارت از «هر کس به اندازه کارش» می‌باشد. کسانی که سخت‌تر و بهتر کار می‌کنند باید بیشتر بدست آورند. اما آنچه به دنبال این شعار می‌آید به عبارت دیگر آن است که کوشش برای بازدهی بیشتر و انجام آن بیهوده است، مگر آنکه کالاها بیشتری برای خرید کارگران ارائه شود. لذا اجرای سهمیه‌بندی در مرحله کمونیزم، مطلوب می‌باشد، نه در مرحله سوسیالیسم.

موافقان ادامه سهمیه‌بندی از آن می‌ترسند که اگر بدون افزایش شدید تولید مواد غذایی بدان خاتمه داده شود، قیمتها به سطح بالائی

در بازارهای موازی می‌رسند و لذا به خانوارهای کم‌درآمد ضربه می‌خورد. برای درک آنچه می‌تواند اتفاق افتد قیمت سهمیه ماهانه در نوامبر ۱۹۸۳ در بازارهای موازی محاسبه شد. غذائی که طبق سهمیه می‌شد با ۱۱/۸۲ پزو خرید در این بازارها بالغ بر ۵۳/۲۲ پزو (۵ برابر) بود. اگر سهمیه‌بندی ملغی گردد، قیمت‌های جدید در جایی بین قیمت فعلی در بازار موازی و قیمت سهمیه خواهد بود.

پایان سهمیه‌بندی به معنی قیمت بالاتر مواد غذایی است.

مخالفان سهمیه‌بندی عقیده دارند که معیار افزایش محصول به حد کفایت برای پایان سهمیه‌بندی کافی نیست تا زمانی که قیمت‌ها بطور تصنعی پایین نگه داشته شده‌اند تقاضا بطور غیرواقعی بالا خواهد بود. بعلاوه، قیمت‌های کم از همیشگی بودن سیستم سهمیه‌بندی اطمینان می‌دهند. این مسئله انگیزه سخت‌تر کار کردن را کم نموده و منجر به کاهش تولید و ادامه کمبود می‌شود و بدین ترتیب سهمیه‌بندی ادامه می‌یابد.

مخالفان، راه حذف سهمیه‌بندی را افزایش محصول همراه با ترقی ادواری قیمت می‌دانند. قیمت‌های بالا موجب می‌شود که مردم برای کسب درآمد بیشتر، سخت‌تر کار کنند. برای مثال اگر استیک را در بازار موازی به قیمت هر پوند ۸ پزو بخرند، برای کسب چند پزو بیشتر مایل به اضافه کاری

می‌شوند اما در صورتی که استیک را به صورت سهمیه به قیمت هر پوند فقط ۷۰ سنتاوس بخرند ترجیح می‌دهند که به خانه رفته و تلویزیون تماشا کنند. اگر مردم بیشتر کار کنند، عرضه به موازات تقاضا افزایش یافته و قیمت‌ها کاهش خواهد یافت. سیستم سهمیه‌بندی براساس این سیاست حذف می‌شود. اگرچه قیمت کالاها بالاتر از قیمت سهمیه خواهد بود، لکن با افزایش بازدهی نیروی کار قیمت‌ها کمتر از قیمت (بازارسیاه) خواهد بود.

مباحثات سیاستگذاران کوبائی در مورد آینده سیستم توزیع مواد غذایی همچنان ادامه دارد. جایگزینی مدد معاش بجای سیستم سهمیه‌بندی برای کسانی که با حذف سهمیه، منافع آنها به خطر می‌افتد، نگرانی در مورد خانوارهای کم‌درآمد را از میان می‌برد. پرداخت کمک هزینه به جهت جبران افزایش قیمت مواد غذایی برای فقراء، ارزانتر از سیاست فعلی پرداخت سوبسید برای همه از طریق قیمت‌هایی که بطور تصنعی پایین نگه داشته شده‌اند، می‌باشد. حفظ سیستم سهمیه‌بندی گران خواهد بود. در سال ۱۹۸۰ دولت هزینه کمک‌های اجتماعی را ۲۲ میلیون پزو تخمین زد در صورتی که سوبسید مواد غذایی برای مصرف‌کنندگان کلاً بالغ بر ۳ میلیارد پزو بود. روش‌های دیگری برای آنکه خانوارهای کم‌درآمد حداقل نیازهای ضروری را بدست آورند، وجود دارد.

از طرف دیگر مردم کوبا به سهمیه‌بندی عادت کرده‌اند و غذای ارزان را بعنوان حق خود می‌دانند. در حالی که کوبائی‌ها از سهمیه‌بندی شکوه دارند اما بدون آن احساس عدم امنیت می‌کنند. البته بیش از نیمی از جمعیت فعلی کوبای امروز بعد از انقلاب متولد شده‌اند و حذف سهمیه‌بندی و ارائه مواد غذایی به قیمت بالاتر موجب ناخشنودی آنها می‌گردد.

یکی از عوامل مهم موافقت با ادامه سهمیه‌بندی در کوبا، بازدهی کم تولید مواد غذایی در این کشور است. تولید کم مواد غذایی منجر به ادامه سهمیه‌بندی می‌گردد. با قضاوت از تجارب گذشته دستیابی به هدف حذف سهمیه‌بندی ممکن نیست. علی‌رغم سیاست جدید، افزایش بازدهی در مزارع دولتی و تشویق تعاونیها، تولید بسیار کم می‌باشد. پایان سهمیه‌بندی بدرستی تغییر کلی در سازمان اقتصادی کوبا است. تأکید بر بازدهی بیشتر، خودکفایی در تولید مواد غذایی و تلاش برای جایگزینی روش ارزانتر و کارآتر تأمین مواد غذایی نتیجه این سیاست جدید است.

سیستم سهمیه‌بندی با همه زیانهای آن توانست به از میان بردن گرسنگی کمک کند. اما اکنون شهروندان کوبائی تقاضای یک رژیم غذایی مطلوبتر را دارند.